

عالم آرام، مرد اخلاق

یادی از آیت ا... سیدجواد حسینی خامنه ای هم زمان با سالروز رحلت ایشان



آیت‌الله سید جواد حسینی خمینی

جماعت مسجد باصدایی آرام و مطمأنینه‌ای خاص نماز را اقامه می کرد و این آرامش او سبب شده بود همه برای نماز به این مسجد بروند. لهجه شیرین آذری او نیز این جذابیت را دوچندان کرده بود.او در ماه های مبارک رمضان پس از اقامه نماز منبر می رفت و برای نمازگزاران سخن می راند. این سخنرانی ها جنبه اخلاقی داشت.

آیت ا... سید جواد خامنه‌ای سال‌های مدیدنیز پس از نماز مغرب وعشا بالای منبر معارف دین را برای حاضران تبیین می‌کردو مباحث توحید ومعاد را از کتاب موردعلاقه‌اش، «کفایة‌الموحدين» برای حاضران بیان می‌کرد. آیت ا... سید جواد حسینی خامنه‌ای سال‌ها در این مسجد برای اقامه نماز می‌رفت و مردم قدم به قدم در کوچه و بازار با او همراه می‌شدند. او علاقه‌ای نداشت که

سرای سیگاری ومحمدیه‌دوبازار چه قدیمی اطراف حرم امام‌رضا^(ع) در دهه ۲۰ خورشیدی بودند که تجار بسیاری در آنجا فعالیت می‌کردند. وجه تسمیه سرای سیگاری به دلیل حضور تاجر شناخته‌شده تبریزی، حاج غلامحسین سیگاری، بود که در آن زمان آوازه‌ای در شهر مشهد داشت. هنگامی که صدای اذان از حرم امام‌رضا^(ع) در فضای بازار می‌پیچید، همه تجار و کسبه برای

ادای فریضه نماز به مسجد ترک‌ها که در جنب سرای سیگاری قرار داشت، می‌رفتند. مسجد در دقایق ابتدایی نماز پر می‌شد. علاوه بر آن، صحن مسجد هم مملو از نمازگزاران بود.

امام



عمامه سفید

مرحوم آیت ا... سید جواد خامنه‌ای درباره اینکه بسیاری اوقات عمامه سفید بر سر داشت گفته‌است: «استحباب در این است که انسان همیشه یک دستار سفیدی بر سر داشته باشد و من چون سید هستم، هرگاه بیرون و مسجد می‌روم، با عمامه مشکی می‌روم. ولی به محض اینکه به خانه می‌آیم، عمامه‌ام را عوض می‌کنم و عمامه سفید را بر سر می‌گذارم.»

ماندن در مشهد

حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خامنه‌ای درباره سکونتشان در مشهد چنین می‌گوید: «در یکی از سفرهایی که پدر همراه با خانواده از عراق راهی ایران می‌شدند، سفری نیز به مشهد داشتند که از معنویت حرم مطهر حضرت‌رضا^(ع) بسیار خوش و خوشنود می‌شوند و همان‌جا تصمیم می‌گیرند که اگر خدا خواست، در آینده ساکن این شهر شوند.»

نماز در مسجد آذربایجانی‌ها

دکتر احمد مهدوی دامغانی، ریادداشتی درباره تجربه اقامه نماز به امامت مرحوم آیت ا... سید جواد خامنه‌ای نوشته است: «برای ادای نماز، من و دایی‌ام به مسجد ترک‌ها (آذربایجانی‌ها) می‌رفتیم و به نماز جماعت که به امامت حضرت آیت ا... خامنه‌ای اقامه می‌شد، اقدام می‌کردیم. آن سال‌ها شبستان، پر و حتی گاهی صف جماعت در حیاط مسجد منعقد می‌شد.»

آشیشال*

«علی» کلان مفهومی برای همه تاریخ...



شاعر و نویسنده حامد سسکری

می‌گویند با جیمزوب می‌شود بیخ دنیا را دید. می‌شود حتی گذشته را دید. اولین باری که آن تصویر حیرت‌آور و مهیب ارسال شده از جیمزوب را دیدیم، درست دم پریدنم بود به سمت کرمان.

گوشی را روی حالت پرواز گذاشتم و از آن پرواز یک ساعت وربعی، چهل دقیقه‌اش را به آن عکس زل زده بود و فکر خیال پردازم چه جاها که نرفت. فرود که آمدم، خبرهای جول وحوش را خواندم و اینکه ممکن است بشود مثل آنچه خودرو همان‌طور که داریم جلو می‌رویم، عقب را ببینیم و چیزی از دستانمان در نرود. بعد به این فکر کردم که اگر فرمان جیمزوب را بدهند دستم و بگویند هر کجای جهان و زمان و تاریخ را دوست داری انتخاب کن و رویش چراغ‌قوه بینداز و از اول تا آخرش را فریم‌به‌فریم ببین، ویدئوچک کن، بازو کن، دوباره ببین، هزار باره ببین، من فقط و فقط سه روز منتهی به غدیر را نگاه می‌کنم. روم می‌کنم روی محاسن جوگندمی محمد مصطفی^(ص) که حج آخرش است و چشم‌های نگرانی دارد. روم می‌کنم روی آرامش چهره علی^(ع). روم می‌کنم روی برافروختگی چهره محمد مصطفی^(ص). آن‌گاه که جبریل فرود آمد و گفت بگو آنچه را که گفتیم که اگر نگویی، کارت را به سر انجام نرسانده‌ای. روم می‌کنم روی کافگی ساربان‌های سرعت گرفته که حالا باید برگردند.

دوست دارم یک هاردی، فلیشی چیزی همراهم باشد، تمامش را یک بک‌آپ بگیرم و بریزم در رسانه‌های مجازی جهان، بی هیچ ادیت و افکتی فقط با زیرنویس به همه زبان‌های زنده و مرده جهان که همه دنیا بفهمد چه بود و چه شد. غدیر یک خوش حالی عجیب دارد. عین یک فیلمی که قهرمانش همه کار می‌کند، رشادت‌های آن چنانی، دیالوگ‌های شاهکار و دکوپاژهای هوش‌ربا. ولی تو دلت خالی می‌شود و می‌دانی که این قهرمان اسیر دسیسه می‌شود و کاردی

روایت یک قاب

لحظه مهم یک واقعه



عکاس و نویسنده حمید سجانی

آیین‌ها بخش مهمی از هویت فرهنگی یک سرزمین محسوب می‌شوند. آن‌ها نقش مهمی در حیات فرهنگ‌ها و مذاهب ابفا می‌کنند و وسیله‌ای برای بیان و تقویت باورها و ارزش‌های مشترک، ایجاد حس اجتماع و ارتباط و کمک به افراد برای هدایت ورودی‌دها و گذارهای مهم زندگی هستند. ازاین‌رو، همراه با مناسک و اعمال خاص در طول تاریخ به زیست خود ادامه می‌دهند.

یکی از ویژگی‌های کلیدی عکاسی آیینی، توانایی آن در ثبت جنبه‌های بصری و حسی یک مراسم یا مراسم خاص است. این می‌تواند شامل استفاده از رنگ‌ها، لباس‌ها، نمادها و اشیای خاص و همچنین حرکاتی باشد که با این مراسم مرتبط هستند. همچنین، می‌توان از آن برای کشف معنا و نمادگرایی در پشت آیین‌های خاص و تعمیق درک ما از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی که در آن رخ می‌دهند، استفاده کرد.

برخی متخصصان شبیه‌خوانی یا تعزیه‌خوانی را قدیمی‌ترین هنر نمایشی جهان می‌دانند؛ اما آنچه قطعی است، ظهور و بروز آن در ایران زمین به قبل از اسلام بر می‌گردد که در ابتدا با شبیه‌خوانی قصه‌ها و روایت‌های ایرانی شروع شده است (مثل سوگ سیاوش) و سپس از زمان حکومت شیعی صفویه به شکل شبیه‌خوانی مذهبی به حیات خود ادامه داده است که تا امروز هم -به ویژه درباره واقعه روز عاشورا- بخش مهمی از آیین مذهبی مردمان ایران است. در چند دهه گذشته برگ‌های تازه‌تر و نوین‌تری هم به این آیین نمایشی

افزوده شده که نمونه بارز آن بازسازی واقعه روز غدیر خم است که معمولاً ترکیبی از تعزیه و نمایش امروزی است.

عکس‌های زیادی هر سال از مجالس تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی منتشر می‌شود، اما تعداد کمی از این عکس‌ها توانایی نشستن در چشم مخاطب را دارند. شناخت درست روایتی که آیین از آن برخاسته است، اولین نکته‌ای است که یک عکاس آیینی باید در ابتدای کار به آن اشراف داشته باشد. عکس محمدعلی میرزاده عکاس

اهل قم، از بازسازی واقعه غدیر در قم از معدود عکس‌هایی است که توانایی تقریب ذهن مخاطب را به روایت واقعه دارد. هوشمندی عکاس در ترکیب بندی و انتخاب لحظه است. نکته دوم جمعیت کثیر پس زمینه عکس به صورت تار است که درعین حال، جغرافیای عکس هم آشکار نیست و دو شاخه نخل سرزمین حای عربی را در ذهن ندای می‌کند. نکته آخر، آشنایی عکاس با روایت آیین باعث شده است مهم‌ترین و آشناترین لحظه واقعه در عکس ثبت شود.



روایت

شایسته سالاری، درس غدیر



روزنامه‌نگار غیث‌رضا حدیری

مشابهی دیده می‌شود. درواقع انتخاب امام‌علی^(ع) نیز به نوعی بر چنین استدلال‌هایی استوار بود، چنان‌که در روایتی از پیامبر گرامی اسلام^(ص) نقل شده است که پارسایی، بردباری و مدیریت نیکو ویژگی‌های اساسی برای هر گزینشی است. خود امام علی^(ع) نیز

همین رویه را پیش گرفت و به‌ویژه در نامه به مالک اشتر برای گزینش کارگزاران و نظامیان، معیارها و ملاک‌های متعددی را بیان می‌کند: «در امور کارگزارانانت بنگر. آن‌ها را آزموده به کار گیر و محور گزینشت میل و گرایش شخصی‌ات نباشد. زیرا این دو کانونی از شعبه‌های جور و خیانت است و از میان آن‌ها افرادی که باتجربه‌تر و پاک‌تر و پیشگام‌تر در اسلام‌اند برگزین. زیرا اخلاق آن‌ها بهتر و خانواده‌شان پاک‌تر و همچنین کم‌طمع‌تر و در سنجش عواقب امور بیناترند.» خود حضرت نیز در گزینش‌ها بر این اصول که پاک‌دستی و تجربه و مهارت را اصل می‌داند، عنایت داشت.

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

صاحب امتیاز: سید یانزهم

۱۴۰۲ تیر ۱۷ دی‌الحیه ۱۴۴۴ شماره ۳۹۸

روزنامه شنبه

۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

نمابر: ۳۷۳۳۸۳۱۰

روابط عمومی: ۳۷۴۴۳۱۰۵

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRRARANNEWS.IR

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

ميثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای



دمای هوای مشهد

۲۹٪

۲۱° ↑ ۳۳°

صبح ۲۶

ظهر ۳۲

عصر ۳۳

شب ۲۷

آوقات شرعی مشهد

اذان ظهر: ۱۱:۳۶:۱۷ نیمه شب شرعی: ۲۲:۴۳:۰۰

غروب آفتاب: ۱۸:۵۲:۲۹ اذان صبح فردا

اذان مغرب: ۱۹:۱۳:۴۲ طلوع آفتاب فردا

حدیث

گرافیک



طرح: جلال حاجی زاده

یادبود

به یاد عیدی‌هایی که «الی» آماده می‌کرد

می‌خواهیم بدانیم چه چیزی می‌خواهی رو کنی یا می‌گفتند هنوز بسته پارسل را نگه‌داشته‌ایم. نتیجه فوق العاده بود، چون برخی مهمان‌ها می‌گفتند چه جالب، به ما هم بگو چطور این کار را می‌کنی تا برای عید نوروز ما هم بتوانیم یک بسته آماده کنیم. سال ۱۴۰۰ بود و نزدیکی‌های عید غدیر، اما مادر به دلیل کرونا روی تخت بیمارستان بود و حال و هوایی برای تدارک بسته عید غدیر نبود. مدام می‌گفت حالا



روزنامه‌نگار سید محسن موسوی زاده

خودش سید نبود، اما هر سال که نزدیک عید غدیر می‌شد، بیشتر از مادرش که از سادات فاطمی بود، به جنب و جوش می‌افتاد. همه چیز هم باید بر اساس برنامه و دقیق و بدون کم و کاستی آماده می‌شد. برای همین یک‌روز دنبال مادرش می‌آمد و او را به بازار گل می‌برد و کلی با هم بازار را بالا و پایین می‌کردند تا بتوانند چیزهایی را که برای درست کردن بسته‌عید غدیر نیاز داشت بخرد. گرفتن اسکناس

نو هم که برعهده پدرش بود و خیالش راحت که در این زمینه مشکلی ندارد. وقتی هر دو از بازار گل می‌آمدند، مادر حساسی بسته بود و او مانند یک کودک ذوق زده که می‌خواهد اسمال یک بسته جدید برای عید غدیر رو کند، کمی که نفس می‌گرفت، یک راست می‌رفت سر درست کردن بسته‌ها و تا تمام شدنشان بلند نمی‌شد. آن قدر در درست کردن بسته‌ها ذوق و سلیقه به خرج می‌داد که مهمان‌ها همیشه به المیرا می‌گفتند اسمال

چکامه

امیر عشق همیشه امیر می‌آید

صدای کیست چنین دل‌پذیر می‌آید؟ کدام چشمه به این گر مسیر می‌آید؟

صدای کیست که این گونه روشن و گیراست؟ که بدو کیست که از این مسیر می‌آید؟

چه گفته است مگر جبرئیل یا احمد؟ صدای کاتب و کلک‌دبیر می‌آید

خبر به روشنی روز در فضا پیچید خبر دهید: کسی دست گیر می‌آید

کسی بزرگ‌تر از آسمان و هر چه در اوست به دست گیری طفل صغیر می‌آید

علی (ع) به جای محمد (ص) به انتخاب خدا خبر دهید: بشیری نذیر می‌آید

مرتضی امیری اسفندچه